

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه-کابل

۰۷ جون ۲۰۲۱



یونس نگاه

نسل‌کشی را ساده‌سازی نکنیم!

(۱)

در چند پست قبلی از اهمیت پیوستن به کمپاین مبارزه با نسل‌کشی هزاره، نقش خارجی‌ان، طالبان، برخی متعصبان و بنیادگرایان غیرطالب درین کشتار نوشتیم. اینجا به نقش تاجران سیاسی و متنفذان قومی خود هزاره در زمینه‌سازی کشتار می‌پردازم:

فیض محمد کاتب نوشته است که در ماه صفر ۱۳۱۱ (اسد ۱۲۷۲ / اگست ۱۸۹۳) دو صد نفر از هزاره‌های ارزگان، پشی، شیرداغ و قلندر را که از بی‌بضاعتی و فقر به کوه و بیابان به‌سر می‌بردند، گرگ‌ها خوردند. در همان ماه، عبدالرحمان خان دعوت بزرگی را در ارگ برای استقبال از هنری مور تیمر دیورند، رئیس هیات مذاکره‌کننده دولت هند برتانوی برقرار کرده بود که در آن بزرگان قبایل اشتراک کرده بودند تا نتیجه مذاکرات و قرارداد دیورند برای‌شان ابلاغ شود. در جریان سفر دیورند صدها هزار روپیه، بسیار اجناس گران‌بها، اسب‌های زیبا و تحفه‌های دیگر به سران قبایل، جنرالان و متنفذان قومی داده شد.

در همان ماه که دوصد نفر هزاره رانده شده و گرسنه را گرگ خورد، شاه افغانستان چهار هزار و سیصد و سی و سه روپیه کابلی (۴,۳۳۳) نقد و پنجاه و چهار خروار کابل (۴,۰۰۰ سیر / ۲۸,۰۰۰ کیلو) غله، مستمری اولاد سردار شیرعلی خان جاغوری (همان‌جائی که مردم گرسنه را گرگ می‌خورد) را به آن خانواده فرستاد. کاتب می‌نویسد این غله به پاس خدمات شایسته سلطان علی خان فرزند شیر علی خان در دستگیری و تسلیم "اشرار هزاره" (همان‌هائی را که گرگ می‌خورد) به او داده می‌شد. به گفته کاتب، سلطان خان با حیله و وساطت قومی، مردم هزاره را به دام می‌انداخت. قبل از دریافت آن مستمری تصدیق کتبی جنرال شیر محمد خان، کرنیل محمد حسن خان، کمیدان

محمد حسن خان و سمندر خان حاکم ارزگان را مبنی بر کارائی و صداقتش در حيله‌گری و همدستی در کشتار مردمش دریافت کرده بود. عبدالرحمان خان غله و پول یادشده را پس از مطالعه آن تصدیق‌نامه صادر کرد.

در همان سال، حکومت عبدالرحمان خان بزرگان مردم کوچی را که از اشتراک در جنگ با هزاره‌ها سر باز زده بودند و به گفته کاتب "از لشکر ملکی پادشاهی در محاربات اشرار هزاره گریخته بودند" مبلغ هجده هزار و سیصد و سی و سه روپیه کابلی (۱۸,۳۳۳) جریمه کرده بود و چهل هزار (۴۰,۰۰۰) روپیه دیگر را به نام زکات دواب و مواشی از کوچی‌ها گرفته "به خزانه عامره" ریخته بود.

این داستان آموزنده در یک ماه از سالی اتفاق افتاده است که قتل عام مشهور هزاره‌ها رخ داده بود (به صفحات ۲۳۳ تا ۲۴۵ جلد سوم سراج التواریخ، چاپ انتشارات عرفان مراجعه کنید). نوشته‌های کاتب هزاره پر از این درس‌هاست. آنجا چهره بیشتر عاملان و همدستان نسل‌کشی هزاره با سند و تاریخ افشاء شده است. برای درک درست وضعیت کنونی و جلوگیری از افتادن به دام افراطیت باید تجربه گذشته را چراغ راه بسازیم و از ساده‌سازی کشتار جمعی و نسل‌کشی حذر کنیم.

لازم نیست اینجا از خان‌های حيله‌ورز و قوم فروش امروز نام ببریم. فکر کنید که در سال‌های اخیر آیا کسانی از رهبران شما حق‌السکوت دریافت کرده‌اند؟ آیا کسانی رأی شما را معامله کرده‌اند؟ در جامعه‌ای که بزرگان مشهور علنی و مثل شیر مادر حق‌السکوت و قیمت رأی دریافت می‌کنند، حتماً کسانی پیدا می‌شوند که از کشتار مردم خود نیز تجارت بسازند. از خود بپرسید که امروز در میان هزاره‌ها چه کسانی از سفارت پاکستان، سفارت ایران، سفارت عربستان و حتی از طریق طالبان پول و حمایت دریافت می‌کنند. چه کسانی به تجارت خون مردم خود عادت کرده‌اند و منفعت خانوادگی و تیمی خود را بر هر چیز دیگر ترجیح می‌دهند؟

امروز نیز کسانی هستند که مثل دیورند از خارج همدست قاتلان‌اند. کسانی نیز هستند که قربانیان هزاره، آنان را همدست طالبان تصور می‌کنند، ولی آنان نه تنها همدست طالبان نیستند بلکه به خاطر سرپیچی از اشتراک در کشتار غیرطالبان جریمه، شکنجه و کشته می‌شوند.

در مبارزه با کشتار جمعی و نسل‌کشی، دگم‌اندیش نباشیم و ساده‌سازی نکنیم. باید جبهه ملی تشکیل دهیم و دردهای جداجدای خود را یکجا و متحدانه درمان کنیم. در بخش دوم با اتکا به تجربه یهودی‌ها، خواهم نوشت که مبارزه با نسل‌کشی از طریق دامن زدن به نفرت قومی به ثمر نمی‌نشیند.